**موقعیت استراتیژیک و ژئواکونومیک افغانستان**

موقعیت استراتیژیک افغانستان به مثابه حلقهء وصل حوزه آسیای مرکزی و جنوب آسیا زمینه­ ای را فراهم ساخته، تا این کشور بتواند در راستای موفقیت پروژه­ های بزرگ اقتصادی منطقه نقش فوق العاده مهم داشته باشد .

هرچند موقعیت افغانستان یک موقعیت بری محسوب می‌گردد، اما موقعیت جغرافیایی آن با توجه به همسایگی با کشورهای مهم و پس از کشف نفت و گاز در حوزه‌های آسیای مرکزی و خلیج فارس موقعیت مهم استراتیژیک به این کشور در نزدیکی و برقراری ارتباط با مناطق مذکور بخشیده است. همچنین همین موقعیت استراتژیک باعث مبدل شدن افغانستان به یک منطقه حایل در دوره رقابت دو امپراتوری روسیه تزاری و بریتانیا در قرن 19 و جنگ سرد در قرن 20 گردیده بود. این موقعیت خاص جغرافیایی در قرن حاضر نیز باعث توجه جدی غرب و به ویژه ایالات متحده در حضور مسقیم و دراز مدت برای پیگیری منافع ژئواستراتیژیک غرب در منطقه گردیده است.

افغانستان به دليل موقعيت استراتيژيك خود به عنوان پل ارتباطي بري ميان شبه قاره هند، آسياي مركزي و خليج فارس از اهميت ژئوپولتيك و اقتصادي بسزايي برخوردار است. نظر بعضي از اعضاي جامعه‌ی بين المللي اين ا‌ست كه بيشتر مشكلات امنيتی و ثبات جهان از شرق ميانه و منطقه‌ ای كه افغانستان را احاطه كرده است سرچشمه مي‌گيرد. بناً، امنيت و ثبات افغانستان نه تنها براي مردم افغانستان بلكه براي تمام جهان اهميت حياتي دارد. برخلاف چين و فدارتيف روسيه ديگر كشورهای عمده دسترسي عملي به ذخاير بزرگ انرژي آسياي ميانه و منطقه ‌ی بحيره كاسپين نداشته و در تلاش اين هستند تا از اين منابع درچوكات روابط اقتصاد بازار مستفيد گردند.

افغانستان مي‌تواند يكي از گزينه ها براي احداث زيربناهاي انتقال منابع انرژي باشد.

موقعيت جغرافيايي افغانستان زمينه ها و فرصت هاي زياد اقتصادي را براي کشور فراهم مي کند. افغانستان کشور حايل ميان آسيايي ميانه و آسياي جنوبي است. در يک طرف کشور هاي با منابع عظيم طبيعي قرار دارد که نيازمند آن است تا اين منابع خود را به کشورهای جنوب آسيا صادر نمايد و در طرف ديگر کشور هاي همانند هند و پاکستان و چين است که نيازمند منابع طبيعي است. تمام کشور هاي آسياي ميانه همانند ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، تاجيکستان و ... داراي منابع عظيم طبيعي است. همه اين کشور ها به دنبال آن است تا امکان و فرصت هاي فراهم گردد تا بتواند منابع طبيعي خود را استخراج و به کشور هاي آسياي جنوبي برساند. هند و پاکستان به خاطر کمبود منابع طبيعي نيازمند آن است تا از منابع طبيعي کشور هاي آسياي ميانه استفاده نمايد. افغانستان تنها مسيري است که مي تواند منابع طبيعي آسياي ميانه به آسياي جنوبي برسد.

پاکستان به خاطر کمبود انرژي پروژه هاي کلان توسعه اي اش به حالت تعليق در آمده است. هند از جمله کشور هايی است که رشد سريع را تجربه مي کند با اين حال، نيازمند انرژي است تا بتواند، تحول در جامعه روستايي خود نيز به وجود آورد. چين دومين قدرت بزرگ اقتصادي در جهان است. اين کشور با رشد اقتصادي و جمعيت ميلياردي که دارد، به شدت به انرژي طبيعي نيازمند مي باشد. از اين رو، افغانستان معبري براي عبور انرژي کشور هاي آسياي ميانه به آسياي جنوبي است.

Bridasآمریکایی و برایدس یونکالUnocal مسئله عبور خط لوله گاز نيز در دهه 1990 مطرح شد.

آرژانتايني از جمله شرکت هايی بود که در انتقال گاز ترکمستان به پاکستان و هند از مسير افغانستان رقابت مي کردند. در دهه 1990 به خاطر عدم تأمين امنيت، اين پروژه ممکن نشد. اين مسئله يکبار ديگر در سال 2005 مطرح شد. در سال 2008 توافق اوليه ميان چهار کشور ترکمستان، افغانستان، پاکستان و هند صورت گرفت. نبود امنيت، انتقال انرژي يکي از دلايل اصلي اجرايي نشدن اين پروژه مي باشد. اجرا شدن اين پروژه موجب مي شود که افغانستان انرژي طبيعي براي صنعت و رشد و شکوفايي اقتصادي در اختيار داشته باشد و بخشی از نيازمندي هاي شهروندان نيز برآورده گردد. روابط اقتصادي ميان کشورهاي جنوب آسيا و آسياي ميانه بيشتر گردد.

اين ظرفيت ژئوپليتيکي امکان تأمين ثبات سياسي دراز مدت را نيز ممکن مي گرداند. با اين حال، استفاده از اين فرصت، بستگي تمام به همکاري جامعه جهاني و کشور هاي منطقه و ارادهء دولت مرکزي افغانستان دارد. سياست خارجي و داخلي افغانستان تا چه اندازه بر محور ژئوپلتيک انرژي منطقه متمرکز است؟ آيا ما مي توانيم از موقعيت ژئوپلتيکي که داريم از سياست ژئواکونوميک کشور هاي منطقه در راستاي ثبات سياسي در افغانستان استفاده نمايم.

جدا از اين مهم، آسياي جنوبي گزينهء بديل نيز در اختيار دارد. ايران به عنوان کشوري که داراي گاز طبيعي زياد مي باشد، گزينه بديل براي پاکستان و هند است. اگر افغانستان از فرصت موجود استفاده نتواند کشور هاي جنوب آسيا ممکن گزينه بديل را روي دست بگيرند.

به لحاظ اقتصادي تاپي بزرگترين پروژه اقتصادي براي افغانستان مي باشد. اجرايي شدن آن موجب مي شود تا امنيت نيز بهبود يابد. زيرا، در صورت اجرايي شدن آن، باعث مي شود که کشور هاي منطقه به خصوص پاکستان در حمایت این پروژه نیز سهم فعال بگیرد. زيرا، پاکستان در آن شرايط میتواند جلو تهدید های امنیتی را بگیرد و سود اقتصادی بیشتر را نصیب گردد. در هر صورت، افغانستان جزئي از بازار کشور هاي منطقه مي شود. در آن صورت منافع مشترک اقتصادي ميان کشور ها شکل مي گيرد که همين منافع مشترک همکاري هاي منطقه اي را افزايش مي دهد و همگرايي و همسويي را تقويت مي کند.

نویسنده :

حبیب الله عزیزی

کارشناس اداره کمک ها